



University of Zanjan
The Journal of

Ethical Reflections

Vol.1, No.1, Spring 2020, pp. 135-154.

ISSN: 2676-4810

**The Role of Questioning of the Educators (Teachers)
in Intellectual Cultivation of the Educated (Students)
Focusing on the Traditions of Immaculate Imams
(peace be upon them)**

Mohsen Shiravand¹
Zahrasadat Mirhadi²

Abstract

The issue of thought and thinking has always been underlined by Quran and prophetic traditions to the extent that one hour thinking is equal to seventy years of devotional act of worship. Educational system also struggles to educate intellectual students so that they can acquire a correct perspective of the challenges they are faced with. One of the most efficient actions for developing thinking among students is the use of the spirit of questioning in them. Therefore, the current study examines the significance of questioning in the educational system for cultivation of intellectual faculty in students relying on the prophetic traditions. The method used in the article is library based and analytical. It can be concluded that the most desirable method for intellectual cultivation of the educated is questioning which has been used by the immaculate imams as an educator in normal educational procedures. This method not only engages the audience in the intellectual process as an active agent but

1. Assistant Professor, University of Isfahan. m.shiravand23@gmail.com.

2. M. A. in Nahjulbalagha, University of Isfahan.

Received: 11/03/2019 | Accepted: 01/07/2020

also allows the educator to lead the educated (pupil) towards a higher intellectual and epistemic capacity via raising purposeful questions and appropriate motivation.

Keywords: Intellectual Cultivation, Questioning, Teacher, Student.





دانشگاه زنجان

فصلنامه تأملات اخلاقی

سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۹، ص ۱۳۵-۱۵۴.

شاپا: ۴۸۱۰-۲۶۷۶

نقش اخلاق پرشگری مریدان در پرورش تفکر متری با تکیه بر سیره معصومین (ع)

محسن شیرواند^۱

زهرا سادات میرهادی^۲

چکیده

موضوع تفکر و اندیشه همواره مورد توجه قرآن و روایات بوده تا جایی که در روایات ارزش یک ساعت تفکر برابر هفتاد سال عبادت قرار داده شده است. سعی نظام تعلیم و تربیت هم بر این اساس است که بتواند دانش آموزان متفکر و خردمند تربیت کند تا آن‌ها بتوانند بینش صحیحی نسبت به چالش‌های رو بروی خود در آینده داشته باشند. یکی از مؤثرترین کارها برای پرورش تفکر در دانش آموز استفاده از روحیه پرشگری در آن‌ها است. از این رو پژوهش حاضر به بررسی اهمیت پرشگری در نظام آموزشی برای پرورش قوه تفکر دانش آموز با تکیه بر روایات پرداخته است. روش مقاله اسنادی تحلیلی است. نتیجه این پژوهش به این شرح است که مطلوب‌ترین شیوه پرورش فکری متری استفاده از شیوه پرشگری است که معصومین (ع) به عنوان یک مری از این روش آموزشی به طور متداول استفاده می‌کردند. چنین شیوه‌ای ضمن اینکه مخاطب را در فرایند فکری فعال قرار می‌دهد، به مری این امکان را می‌دهد تا با طرح سئوالات

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۷

۱. استادیار فلسفه اخلاق، دانشگاه اصفهان، m.shiravand23@gmail.com

۲. کارشناس ارشد نهج البلاغه، دانشگاه اصفهان.

هدفمند و انگیزشی، متناسب با ظرفیت وجودی متربی، او را به سطح بالایی از شناخت و ظرفیت فکری سوق دهد.

واژگان کلیدی: پرورش تفکر، پرسشگری، معلم، دانش آموز.

مقدمه

با توجه به آموزه‌های قرآن هدف عمده از تعلیم و تربیت ساختن متفکرانی خردمند است که با ذهنی جستجوگر در صدد دست یافتن به هویت پایدار دینی هستند (فیاض، ۱۳۸۸، ص ۵۶). شیوه قرآن برای دست‌یابی به هویت روشن، شیوه جستجوگری فعال است که از طریق پرسش و تأیید آن حاصل می‌شود. قرآن از طریق پرسشگری در پی تقویت قدرت استدلال و تمییز و داوری و در نهایت هدایت و رهبری انسان است (همان، ص ۴۰). طرح سؤال به صورت پرسش و پاسخ، انسان را وادار می‌کند تا پاسخ را از درون وجدان خود بشنود و آن را فکر و تشخیص خود داند و به عنوان طرح و فکر آشنا به آن بنگرد تا نه تنها در مقابل حرف حق مقاومتی نکند بلکه خود را متعهد به آن بداند پس به یک هویت پایدار دینی دست پیدا کند (همان، ص ۴۱-۴۰). بنابراین در جامعه امروز تربیت افراد پرسشگر متفکر و منتقد لازم و ضروری است. اگر دانش آموزان به جای درگیر شدن با مهارت‌های ساده و مجزا از هم با فعالیت‌های پیچیده و کل‌نگر درگیر شوند، از این طریق برای چالش‌های دنیای فردا آمادگی بیشتری به دست می‌آورند. شکل‌گیری هویت دینی با آغاز نوجوانی شروع می‌شود و در فرایند رشد عقلانی پیوسته ارزش‌ها، باورها و هدف‌ها مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد تا فرد به هویت پایدار برسد. بنابراین اولین روش‌های پرورش تفکر متربیان توجه به اندیشه ورزی آن‌ها است. امام علی (علیه السلام) در نامه ۳۱ می‌فرماید: «انما قلب الحدث كالارض الخاليه ما القى فيها من شى قبلته»؛ «قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده است آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود» (نهج البلاغه، ۱۳۹۲، ص ۶۱۸). پس ما می‌توانیم با طرح پرسش‌های هدفدار به شکل‌گیری شخصیت نوجوان پردازیم. باید در نظر داشت که آموزش و پرورش اسلامی بر اساس متافیزیک و اعتقاد به اصول دین و بر پایه انسانیت استوار است و باید تعلیم و تربیت اسلامی جنبه هدایتی و پویایی و عقلانی و انقلابی داشته باشد (احمدی،

۱۳۶۴، ص ۴۰)؛ ولی متأسفانه علی رغم تأکید و توجه به مسئله تفکر در اهداف نظام آموزشی و ادعای مسئولان و متصدیان و مجریان آموزشی در عمل برای تشویق دانش آموز در جهت تفکر، اراده و انگیزه کافی وجود ندارد که این سبب به هدر رفتن هزینه‌ها و امکانات و قابلیت‌های افراد می‌شود (ملکی، ۱۳۸۶، ص ۹۴). منظور از تعلیم تنها پر کردن ذهن متربیان از مطالب علمی نیست بلکه تعلیم برای یاد دادن راه زندگی و آگاه کردن دانش آموزان به وظایف فردی و اجتماعی است (احمدی، ۱۳۶۴، ص ۱۸۸)؛ پس می‌توان گفت تفکر منتقدانه یکی از ویژگی‌های اصلی پرسشگری است؛ مهارتی که هر فرد می‌تواند آن را کسب کند و معلمان می‌توانند نقش به‌سزایی در این امر ایفا کنند. در روایتی از امام زین العابدین (علیه السلام) آمده است: «المؤمن خلط علمه بالحلم یجلس لیعلم یصمت لیسلم و ینطق لیفهم»؛ «مؤمن دانش و بردباری را با هم در آمیخته است؛ می‌نشیند تا بیاموزد؛ سکوت می‌کند تا سالم بماند و به سؤال لب می‌گشاید تا بفهمد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۲۹۱). در این زمینه پژوهش‌هایی انجام شده است. از جمله مقاله «پرسشگری راهبرد هویت دینی در قرآن کریم» از ایراندخت فیاض یا «طرح نظری برای پرورش تفکر از دیدگاه اسلام» از نرگس سجادیه یا کتاب «نگرشی بر آموزش» از علی حسینی زاده و... در این منابع کمتر به موضوع پرسشگری در پرورش تفکر پرداخته شده است. بنابراین، در این پژوهش سعی شده است که از زاویه متفاوت به اهمیت پرسشگری در پرورش تفکر دانش آموزان پرداخته شود و نقش معلم را در پرورش این مهارت بیان گردد.

۱. فوائد پرسشگری

با توجه به اهمیت و جایگاه پرسشگری در مسئله تعلیم در این مرحله از مقاله به فوایدی چند از این روش می‌پردازیم.

۱-۱. ارتباط مخاطب و جلب توجه او

اولین اصل از اصولی که معلم باید در تدریس رعایت کند این است که باید پیش از هر چیز توجه فراگیران را به خود جلب نماید. آموزش و تدریس همواره باید بین دو نفر یا بیشتر باشد و تحقق آن بدون وجود طرف دوم و برقراری رابطه بین آن دو امری ناممکن

است و همه تلاش‌های معلم را بی اثر می‌گرداند. بنابراین باید معلم در آغاز درس با شیوه‌هایی خاص، به ویژه به صورت غیرمستقیم، بین خود و آنان رابطه برقرار کند و توجه آنان را بر خود و درواقع، به آنچه می‌گوید، جلب کند. یکی از روش‌های جلب توجه مخاطب طرح سؤال است (حسینی زاده، ۱۳۸۸، ص ۳۴). در روش معصومین این شیوه فراوان مشاهده می‌شود. به عنوان مثال حضرت علی (علیه السلام) خطاب به عده‌ای فرمود آیا فقیه حقیقی را به شما معرفی کنم؟ سپس فرمود: فقیه حقیقی کسی است که به مردم آزادی در گناه ندهد آنان را از رحمت خدا ناامید نسازد و از مکر خدا ایمن نکند و با بی رغبتی به قرآن چیز دیگری به جای آن نگزیند (حرانی، ۱۳۶۹، ص ۲۰۱). همچنین امام باقر به کسانی که در محضر او بودند فرمودند: «آیا شما را به کاری آگاه نسازم که هر گاه انجام دهید سلطان و شیطان از شما دور شود؟ ابوحمزه ثمالی عرض کرد بفرمائید امام فرمودند: آن صدقه دادن است» (حرانی، ۱۳۶۹، ص ۳۰۸). بنابراین از سخنان آنان اهمیت و جایگاه روش پرسش و پاسخ فهمیده می‌شود. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «هر گاه برای شما چیزی را بیان کردم دلیل قرآنی آن را از من بخواهید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۰). این همان زمینه فراهم کردن برای فرهنگ پرسشگری است. پس امامان در جلسات علمی خود که مخاطبان خاصی داشتند، از این روش استفاده می‌کردند؛ حتی در بعضی از موارد در آموزش‌های عمومی خود نیز از این روش بهره می‌بردند.

۱-۲. انگیزش

انگیزه‌ها گاهی اوقات به نیازها، خواسته‌ها، کشش‌ها و یا تپش‌های درونی یک فرد تعبیر می‌شود. انگیزه‌ها به سوی هدف‌هایی طی طریق می‌کند که ممکن است از روی شعور آگاه یا شعور نیمه آگاه باشد. انگیزه‌ها چراهای رفتارند آن‌ها باعث بروز فعالیت و تداوم آن هستند و جهت کلی رفتار خود را نیز تعیین می‌نمایند (گروه مؤلفان، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱). بنابراین انگیزش یکی از پایه‌های اصلی رفتار است که بدون آن عملکرد افراد شکل نمی‌گیرد. این حقیقت در کلام امام علی (علیه السلام) آمده است که می‌فرمایند: «النیةُ اساسُ العمل» (آمدی، ۱۳۳۷، ص ۱۰۴۰). یکی از عوامل مؤثر در یادگیری، رغبت و انگیزه دانش آموز است. انگیزه دو گونه است: درونی و بیرونی. انگیزه درونی می‌تواند تأثیرات بیشتر و عمیق‌تری در یادگیری داشته باشد به گونه‌ای که فرد از درون نسبت به

یادگیری اشتیاق پیدا کند و دیگر نیازی به تشویق خاص بیرونی نباشد. این انگیزه در هر کس باشد معمولاً در پیشرفت و ادامه کار به آسانی متوقف نمی‌شود. طرح پرسش از سوی استاد و ایجاد پرسش در ذهن شاگرد، او را به جهل خود نسبت به مسئله متوجه خواهد ساخت و در نتیجه، انگیزه او برای فراگیری افزایش می‌یابد. وقتی انگیزش برای یادگیری افزایش یابد، توجه به استاد نیز به هنگام آموزش افزایش خواهد یافت و دانش آموز سعی می‌کند همه حواس خود را برای یادگیری آموزه‌ها متمرکز سازد.

امام رضا (علیه السلام) از پدرش موسی بن جعفر و ایشان از امام صادق (علیه السلام) نقل فرمودند: «یکی از کسانی که قرآن را تفسیر می‌کرد بر پدرم امام باقر (علیه السلام) وارد شد. پدرم فرمود: تو فلانی هستی؟ گفت: بلی. فرمود: تو قرآن را تفسیر می‌کنی؟ عرض کرد: آری. فرمود: این آیه «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَىٰ بَارَكْنَا فِيهَا قُرى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ؛ سَيروا فِيهَا لِيَالِي وَايَامَا آمِنِينَ» (سبأ، ۱۸) را چگونه تفسیر می‌کنی؟ عرض کرد: این مکان بین مکه و منا است. فرمود: آیا این مکان ترسناک است و در آن دزد وجود دارد یا نه؟ عرض کرد: آری. پس فرمود: جایی را که خدا امن قرار داده در آن ترس و دزدی است؟ عرض کرد: پس آن کجاست؟ امام فرمود: مراد ما اهل بیت هستیم. خدا شما را ناس نامیده و ما را قریه و...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴، ص ۲۳۴).

فایده این پرسش آن است که شاگرد را به جهل خود آگاه می‌سازد و توجه او را به فهم و یادگیری جلب می‌کند. بنابراین یکی از راه‌های دادن انگیزه درونی این است که نیاز به علم و یادگیری را در مرتبه برانگیخت. برای این کار معصومان گاه افراد را ابتدا به جهلشان آگاه می‌ساختند؛ پس از این که آنان از درون به علم و آگاهی احساس نیاز می‌کردند، از امام آموزش می‌خواستند و سؤالاتی در این زمینه می‌کردند. در روایتی آمده است که حمران از امام صادق (علیه السلام) سؤالی پرسید امام فرمود: «انما يهلك الناس لا فهم لا يستلون»؛ «همانا مردم هلاک شدند چون نمی‌پرسیدند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۰). در زمان حکومت امام علی (علیه السلام) حکومت اهتمام ویژه‌ای به ایجاد انگیزه، اصلاح روش‌ها و منابع علم آموزی نمود. امام علی (علیه السلام) در بیان وضع دگرگون زمان خویش به بهره نگرستن مردم از دانش و عدم پرسشگری آن‌ها اشاره دارد. امام علی (علیه السلام) در خطبه ۳۲ می‌فرماید: «ایها الناس انا قد اصبحنا فی دهر کنود...»

لا ننتفع بما علمنا و لا نسأل عما جهلنا» (نهج البلاغه، ۱۳۹۲، ص ۶۲). بنابراین می توان نتیجه گرفت که جامعه آن روز گرفتار جهل و نادانی بوده است و شاید علت این بی انگیزگی هم اقدامات خلفای پیشین بوده است که قبل از امام علی (علیه السلام) زمینه نامساعد برای رشد علم فراهم کرده بودند؛ مثلاً خلیفه دوم آن قدر سخت گیری می کرد که اجازه سؤال کردن را به سختی به مردم می داد (عابدی، ۱۳۹۳، ص ۲۸). این بدن معنا است که حاکمان وقت آن زمان، نه تنها خود ایجاد انگیزه برای مردم از طریق پرسشگری نمی کردند، بلکه مانع پرسش های مردم هم می شدند و انگیزه ها را در نطفه خفه می کردند. باید توجه داشت که اگر پرسشگری در جوامعی رواج پیدا کند، میزان آگاهی مردم در تمام جوامع به سرعت افزایش پیدا خواهد کرد که این خود سبب بیداری و رشد فکری آن جامعه خواهد شد. بنابراین، پرسشگری ایجاد انگیزه می کند و گشاینده افق های تازه است. پرسش فقل نیست؛ بلکه چون نوری است که تفکر را از گمشدگی ضلالت باز می دارد (فیاض، ۱۳۸۸، ص ۴۵).

۱-۳. مشارکت فعال

از دیگر اصول آموزشی، کوشش فعالیت یادگیرنده است؛ یعنی کسی که می خواهد در مسائل علمی و دینی عالم و دانشمند شود باید خود در این زمینه فعال باشد نه اینکه تنها منفعل و گیرنده باشد و منتظر بماند که معلم و استاد مطالب خود را بیان کند. فراگیر باید با انگیزه و فعال در پی فراگیری علم باشد. معصومین همواره می کوشیدند تا شاگردان خود را به کندوکاو در مسائل علمی وادارند. به گونه ای که دست کم پرسش را خود بیابند و پاسخ را از امام بشوند در این صورت پاسخ در برابر یک نیاز درونی است و فراگیر آن را به خوبی درک می کند (حسینی زاده، ۱۳۸۸، ص ۴۲-۴۱). در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) آمده است که محمد بن منصور می گوید از امام باقر درباره آیه «و اذا فعلوا فاحشه قالوا وجدنا علیها آباءنا والله امرنا بها» (اعراف، ۲۸) پرسیدم. امام فرمود: آیا کسی رادیده ای که گمان کند خدا به زنا، شرب، خمر و نظیر این محرمات امر کند؟ گفتم: خیر؛ فرمود: پس این فاحشه ای که آنان ادعا می کنند خدا را بدان امرشان کرده چیست؟ گفتم: خدا و ولیش بهتر می داند؛ فرمود: این در مورد ائمه جور است که ادعا می کنند، خدا آنان را به حکومت بر مردم امر کرده است و حال آنکه خدا آنان را به

چنین کاری امر نکرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۷۳). در این سیره افزون بر اینکه پرسش از سوی شاگرد مطرح شد، امام در پاسخ نیز او را شرکت دادند تا خود فکر کند و در بحث درگیر شود. در واقع، با پرسش‌های دیگر امام خواستند تا او با انگیزه و فعال در پی فراگیری علم باشد.

۴-۱. تفاوت فردی

توجه به مراتب وجود و رعایت تفاوت‌ها در تربیت از مهم‌ترین امور است که نادیده گرفتن آن و همه را یکسان دیدن و از همه یک گونه انتظار داشتن تربیت را به تباهی می‌کشد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۸). امام علی (علیه السلام) در خطبه ۲۳۴ می‌فرماید: «انما فرق بینهم مبادی طینهم و ذلک انهم کانوا فلقه من سیخ ارض و عذبها و حزن تربه و سهلها»؛ «مردم را از ارکان اولیه گلی که از آن آفریده شده است متفاوت کرده است و این بدان جهت است که مردم در آغاز پاره‌ای از زمین شور و شیرین و درشت و نرم بوده‌اند». در واقع، مبادی جوهره وجود انسان که از آن تعبیر به زمین شوره‌زار و نرم و سفت شده است، کنایه از قوا و طبیعت‌های گوناگونی است که برای صاحبان طبیعت وجود داشته‌اند؛ به عبارت دیگر، به دلیل اینکه شوری و شیرینی، نرمی و درشتی صفات عارض بر موادی هستند که مبادی اصلی و عنصر حقیقی انسان را تشکیل می‌دهد، این طبیعت‌ها و بقیه طبایع و مزاج‌های ترکیب یافته از آنها بر اختلاف استعدادها و گوناگون مؤثر هستند (بحرانی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۱۳). بنابراین مشخص است که استاد با طرح پرسش به نیاز شاگردان پی می‌برد و می‌داند که مشکل و نیاز او در چه بخشی است و هر آنچه را که او نمی‌داند و یا آگاهی‌اش نسبت به آن کم است بیان می‌کند و با توجه به علاقه، استعداد و تخصص شاگرد به او پاسخ می‌دهد. اصل تفاوت فردی یک امر شناخته شده است که در قرآن کریم نیز به آن توجه شده است: «ولا تمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض» (نساء، ۳۲)؛ «برتری‌هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو مکنید»؛ چرا که این تفاوت‌ها هر کدام اسراری دارد که از شما پوشیده است چه تفاوت از نظر آفرینش، جنسیت، صفات جسمی و روحی چه تفاوت از نظر حقوقی تمام این تفاوت‌ها بر پایه عدالت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۶۳). معصومین هم در امر آموزش به این امر مهم توجه ویژه‌ای داشتند. پیامبر اکرم می‌فرماید:

«انا معاشر الانبياء امرنا ان نكلم الناس على قدر عقولهم»؛ «همانا ما پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۸۵). بنابراین باید به علائق و رغبت‌های فراگیران در امر آموزش و پرورش توجه کافی داشت و مطلب و محتوا، منطبق با علائق آنان باشد؛ باید به آنان آموزش داد و از تحمیل مطالب و موضوعات به آنان اجتناب کرد؛ پس باید در آموزش به استعداد و میزان رشد و توان فکری متعلمان توجه کرد. در حدیثی آمده است: «یا حدیقه لا تحدث الناس بما لا يعلمون فیطغوا و یکفرا ان من العلم صعبا شدیداً محمله لو حمله الجبال عجزت عن حمله» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۷۸). بنابراین یکی از ویژگی‌های استفاد از روش پرسشگری توسط مربی، توجه به استعدادهای متفاوت متربیان است که مربی بر پایه استعدادهای و مراتب وجودی مربی و بر اساس شناختی که از او دارد سؤالاتی را مطرح می‌کند که این خود سبب پرورش روحی و فکری مربی خواهد شد. در واقع، معصومین در پاسخ یک سؤال نسبت به افراد متفاوت پاسخ‌های متفاوتی می‌دادند. بنابراین معصومین اغلب از روش پرسش و سؤال استفاده می‌کردند که این امر هم از توجه ویژه معصومین به تفاوت فردی حکایت می‌کند

۱-۵. پرورش تفکر و تعقل و تفقه

راه تربیت آدمی راهی است که از فکر می‌گذرد زیرا انسان موجودی است متفکر، متفکر یعنی انسانی که با اندیشه زندگی می‌کند و با به کارگیری فکر خود را سیر می‌کند و هر سود و زبانی که می‌بیند از راه افکار و اندیشه‌هایش است. پس توجه به تفکر صحیح اساس سلوک به کمال مطلق است. پس باید همه امور تربیتی امور مبتنی بر انگیزه صحیح باشد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۷). تفکر از ریشه فکر به معنی اندیشه و در امری دقیق و باریک شدن است. تفکر در قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد همچنان که قرآن می‌فرماید: «ان شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون» (انفال، ۲۲)؛ «بدترین جنبندها کسان هستند که کر و گنگ هستند و تعقل نمی‌کنند». متون اسلامی تفکر و تعقل را مترادف هم به کار می‌برد و هر گاه تعقل و تفکر مترادف یکدیگر باشند مقصود از آن نوع معینی از تفکر و تعقل است و آن تفکر هدایت شده است (باقری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). پس با نظر به گستردگی فکر و عرصه‌های فکری می‌توان گفت که آدمیان همگی درگیر

اندیشه ورزی‌اند. به این معنا که همه متفکرند و اگر قومی به سبب نداشتن تفکر مورد نکوهش قرار گرفته نه به سبب نداشتن تفکر بلکه به علت نداشتن تفکر معین نکوهیده شده‌اند. دعوت قرآن به راه اندازی قوای مدرکه و فهم بشر و بالا بردن بینش معرفتی و علم در واقع یک نوع ایجاد شور و حرکت و پویای است که لازمه کمال بشر است و از پیامدهای بینش تعقلی طرح پرسش و سؤال است که خود کلید همه معرفت است انسان در زندگی تا با پرسش رو برو نشود، در پی تلاش و حرکت بر نخواهد آمد انسان مورد نظر قرآن یک موجود پرسش‌گر و جستجوگر است تا به وسیله آن به کلید معرفتی دست یابد (طاهری، ۱۳۸۸، ص ۱۹). اسلام همواره نیروی فکر را منشأ پیدایش حل مسائل جدید و عالی‌ترین محصول مغز انسان را تفکر دانسته و یک ساعت تفکر را برابر هفتاد سال عبادت قرار داده است. البته باید در نظر داشت نتیجه تفکر، خلاقیت است. تفکر خلاق همان فرایند ذهنی است که به تولید ایده و اندیشه جدید بدون سابقه قبلی بینجامد این تفکر مولد وجهت‌دار است و جهت تولید ایده‌های آن برای تحقق مصالح حقیقی فرد و امت اسلامی است (مداحی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۶). یکی از روش‌های ایجاد خلاقیت فکری و پرورش قوه فکر در تربی پرسشگری است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «ان هذا العلم علیه قفل و مفاتحه السؤل» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۰). حضرت علی (علیه السلام) در مورد روش‌های تدریس و آموزش عمدتاً مبانی اصلی روش‌های مذکور را تفکر و پرورش تفکر قلمداد می‌کند. آن حضرت حامی روش‌هایی است که روحیه تفکر و تعقل را در فرد بیدار سازد چنین تفکری است که می‌تواند سبب ایجاد بصیرت و حکمت در آدمی شود. (علوی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳) امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «كَثْرَةُ النَّظْرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعَقْلَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۵۹)؛ «نگاه زیاد به مطالب علمی قدرت اندیشه و تعقل انسان را به کار می‌اندازد». «نظر» یعنی مشاهده دقیق و ژرف نگری که اگر با نگاه و بصیرت انسان عجین شود، تبدیل به نظریه می‌شود. یکی از راه‌های ایجاد ژرف نگری در دانش آموز پرسیدن سؤال‌هایی با محتوای هدایت‌شده و جهت‌دار است. پس علمی که از راه اندیشه به دست آید، علمی ارزشمند است. تأکید بر محفوظات در تعلیم و تربیت انسان را از شکوفایی حقیقی باز می‌دارد و علم تقلیدی و نه علم تحقیقی به بار می‌آورد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۸). با توجه به جایگاه و اهمیت تفکر هیچ چیز

جایگزین تفکر در تربیت نیست و لازم است نظام آموزشی به گونه‌ای سازمان‌دهی شود که افراد اهل اندیشه صحیح بار آیند و با راه تفکر حقیقی آشنا شوند.

۲. شاخصه‌های پرورش تفکر در دانش آموز

هدف اصلی آموزش رشد فکری یادگیرندگان است. بنابراین سازمان آموزش و پرورش مسئول پرورش انسان‌هایی با رشد فکری مناسب است. در واقع، یکی از اهداف نظام آموزشی، تربیت دانش آموزان متفکر است. دانش آموزانی که بینش صحیح و درک عمیق و جستجو گرانه‌ای نسبت به مسائل اطراف خود داشته باشند. اگر جامعه‌ای بخواهد به سوی رشد و تعالی پیش رود باید مجریان آن جامعه درصدد طرحی بر آیند که بتواند اهداف عالی آن جامعه را تأمین کند. جامعه‌ای که بتواند مهارت‌های بنیادین را از سنین کودکی در دانش آموز ایجاد کند، می‌تواند به اهداف بلند مدت خود برسد. مهارت‌های اساسی که مشکلات جامعه به وسیله آن می‌تواند حل شود و جامعه را به سمت رشد بکشانند، مهارت‌های پرورش تفکر است. مجریان نظام آموزشی می‌توانند با تربیت معلمان پرسشگر بسیاری از مطالب آموزشی را با رویکرد محتوای ارزشی و متعالی از طریق پرسش برای دانش آموز ایجاد کنند. بدین وسیله می‌توانند تفکر فعال را در دانش آموز نهادینه کنند و دانش آموز را برای مسائل پیچیده فردای خود آماده کنند. از آنجا که معلمان یکی از مهم‌ترین عوامل پرورش فکری در دانش آموزان هستند، لذا سعی سازمان آموزش و پرورش باید در جهت پرورش نیروی‌های کارآمد باشد؛ چرا که وجود معلم و مربی آگاه و بابصیرت و توانا می‌تواند سبب رشد فکری جوانان جامعه شود و این خود منجر به تحول اساسی در جامعه می‌گردد. لذا در این مقطع به دو جنبه کاربردی که می‌تواند معلم در تحول رشد فکری مترقی نقش ایفا کند می‌پردازیم.

۱-۲. مربی با روحیه پرسشگری

سؤال پرسیدن یک فرایند آموزشی است که محور تعامل در کلاس درس به حساب می‌آید. سؤال‌هایی که معلم از کلاس می‌پرسد، به عنوان پل آموزشی بین او و دانش آموز عمل می‌کند (سیف، ۱۳۸۸، ص ۱۱). در واقع، یکی از مهم‌ترین اشکال تعامل انسانی، ارتباطی است که بر مبنای پرسش و پاسخ پی ریزی می‌شود. پرسشگری عنصر کلیدی در فرایند یادگیری است. پرسش نقطه شروع و مبدا جهش فکری است و به این

لحاظ یک امتیاز در مسیر تفکر است. کسی که توان طرح سؤال را ندارد و پرسیدن را نیاموخته است، هنوز در نقطه شروع قرار نگرفته (حسن زاده قشلاق، ۱۳۷۸، ص ۲۱). اساساً نیاز به شناخت معلم از عوامل شکل دهنده فرهنگ تفکر در کلاس است و از سویی دیگر نیاز به شناخت دانش آموز خود تابعی از نیاز به شناخت معلم و متعاقب آن فرهنگ تفکر در کلاس است. بنابراین باید معلم الگو باشد. بهترین الگو برای معلمان پیامبر اکرم (علی السلام) است. امام علی (علیه السلام) که از کودکی به همراه پیامبر بود و آموزش دیده و دست پرورد آن حضرت است می فرماید: هر روز و هر شب بر پیامبر وارد می شدم و او من را تحویل می گرفت و همواره همراه او بودم و هر گاه از او پرسشی می کردم، پاسخ می گفت. وقتی پرسش هایم تمام می شد و ساکت می شدم خود شروع می کرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۴). این شیوه فراگیری امام علی (علیه السلام) و شیوه آموزش دادن پیامبر اکرم است. روش پرسش و پاسخ اقسامی دارد: ۱- شاگرد از معلم می پرسد؛ ۲- معلم از شاگرد می پرسد؛ ۳- روش بحث و گفتگوی دو طرفی بکار می گیرند (حسینی زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶). در روش اول، زمانی پرسش شاگرد سبب مهارت پرورش تفکر او می شود که سؤالات خوبی از معلم خود بپرسد و پرسش هنگامی خوب است که از قدرت تفکر و تدبیر دانش آموز برخیزد. یکی از روش های پرورش تفکر و خلاقیت در دانش آموز این است که خوب ببیند و خوب بشنود. در روایتی آمده است که مردی نزد امام علی (علیه السلام) آمد و از امام خواست که او را به کار نیکی نصیحت کند تا با آن نجات یابد امام علی (علیه السلام) فرمودند: ای انسان بشنو؛ سپس بفهم؛ سپس یقین کن؛ پس از آن عمل کن و... (ورام، ۱۳۶۸، ص ۴۸۰). در این روایت اولین توصیه به شنیدن است؛ چون اگر فرد دقیق گوش ندهد، مرحله بعد که فهم است اتفاق نمی افتد و یادگیری سطحی خواهد بود. پس مربی که خوب بفهمد، سؤالات خوبی از مربی می پرسد؛ پس پرسش وقتی خوب است که از تدبیر و تفکر برخیزد. وقتی پرسش خوب باشد احتمال این که پاسخ هم خوب باشد بیشتر است. اساساً پرسش خوب پاسخ خوب را به دنبال دارد. «حَسَنَ السَّؤَالِ نِصْفَ الْعِلْمِ»؛ «پرسش خوب نیمی از علم است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲۴). یکی دیگر از روش ها خوب دیدن است. از آن جا که داده های عینی و حسی قابلیت درک بیشتری برای همه گروه سنی دارند، مخاطب

با استفاده بیشتر از حواس به منظور درک بهتر پدیده‌ها دعوت می‌شود. در قرآن می‌خوانیم «افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت»؛ «آیا آنان به شتران نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است» (غاشیه، ۱۷). در نهج البلاغه امام علی (علیه السلام) با تشریح خلقت مورچه مخاطبان را به خوب دیدن تشویق کرده است. پس خوب دیدن یکی از روش‌های پرورش تفکر متربی است. طرح سؤال از طرف معلم برای دانش آموز نیز در افزایش مهارت تفکر او جایگاه ویژه‌ای دارد. یکی از روش‌های مهم در افزایش مهارت تفکر دانش آموز برانگیختن سؤال در ذهن اوست؛ یعنی این که در ابتدای سخن، مطلب را به گونه‌ای بیان کند که در ذهن دانش آموز سؤال طرح شود. حذیفه بن منصور می‌گوید که امام صادق فرمودند: «اتقوا الحالقه فانها تمیت الرجال. قلت وما الحالقه قال قطعته الرحم»؛ «از حالقه بپرهیزید؛ زیرا انسان را می‌میراند. پرسیدم: حالقه چیست؟ فرمود: قطع رحم» (حر عاملی، ۱۳۶۸، ص ۱۵، ۲۱۰). امام (ع) در این روایت به آسانی می‌توانست بفرماید که از قطع رحم بپرهیزید، ولی چنین نکرد؛ بلکه این مطلب را مبهم بیان کرد تا در ذهن شنونده پرسشی ایجاد کند و توجه او را جلب کند. این کلی‌گویی مربی دو اثر را در پی دارد: اولاً به تدریج و مرحله به مرحله آموزش می‌دهد و ثانیاً کسانی که استعداد لازم را دارند و یا به علم علاقه دارند با طرح پرسش‌های بیشتر، هم خود در کسب دانش دخیل می‌شوند و هم به ژرفای مفاهیم علمی می‌رسند؛ چرا که ارائه دانش به کسانی که استعداد و لیاقت آن را ندارند، افزون بر ضایع کردن علم سبب گمراهی آنان نیز می‌شود (حسینی زاده، ۱۳۸۸، ص ۴۴). معلم علاوه بر این می‌تواند با طرح پرسش‌های پی در پی از دانش آموز او را در پرورش تفکر یاری دهد. در *علل الشرایع* آمده است که عربی بادیه نشین از پیامبر پرسید که ای رسول خدا قیامت کی بر پا می‌شود؟ در این هنگام وقت نماز شد. پیامبر نمازش را خواند و سپس فرمود: کو آن مردی که از قیامت می‌پرسید؟ مرد گفت: من هستم ای پیامبر خدا. حضرت فرمودند: برای قیامت چه فراهم آورده‌ای؟ عرض کرد: به خدا چیز زیادتری جز نماز و روزه فراهم نیاوردم و آن که خدا و پیامبرش را دوست می‌دارم. پیامبر فرمود: انسان با کسی است که دوستش می‌دارد، محشور می‌شود. با تأمل در این سیره متوجه می‌شویم که پاسخ سؤال همراه با سؤال بود تا به تدریج به دریافت پاسخ توسط خود متربی منجر شود. در واقع متربی که به طور فعال

به یادگیری می‌پردازد نه تنها بهتر فرا می‌گیرد بلکه از یادگیری لذت بیشتری می‌برد؛ زیرا آن‌ها به جای اینکه فقط شنونده باشند، فعالانه در جریان یادگیری مشارکت می‌کنند و خود را مسئول یادگیری خویش می‌دانند. از آنجا که پرسشگری فعالیتی است که درگیری فعال دانش آموز و مشارکت همه‌جانبه او را در جریان تدریس می‌طلبد، برای تقویت پرورش تفکر، ایجاد روحیه پرسشگری مؤثرتر است.

۲-۲. محتوای هدفدار

پرسش و تحقیق علمی باید با هدف رسیدن و ژرف نگری و دانش حقیقی صورت گیرد. نظام آموزشی نظام تعلیم و تربیت است و این امر زمانی محقق می‌شود که هدف اصلی آن تکامل روحی و معنوی متربی باشد (جان احمدی، ۱۳۹۱، ص ۳۴)؛ پس مربی باید در جهت اهدافی که در امر تربیت مدنظر دارد از سؤالات جهت دهنده و هدایت کننده و انگیزشی استفاده کند تا در زمینه‌ای که متربی از آن غافل است و توجه خاصی به آن ندارد به همان طریقی که قرآن در طرح سؤالات انگیزشی عمل می‌کند به تفکر واداشته شود. رویکرد مسئله مدار قرآن، مخاطب را به شگفتی فکری و می‌دارد تا در این رهگذر توانایی واقعی خود را در پیدایی و ارائه افکار درست به کار گیرد. قرآن با طرح سؤالات چالش برانگیز اشتیاق به جستجوگری را در انسان فعال می‌کند تا راز و رمز نهفته در رازهای عمیق را به اختیار و اراده خود دریابد زیرا فراهم سازی محرک‌های عقلانی از طریق پرسشگری در جهت پرورش روح تعهد و مسئولیت پذیری دینی بسیار کارساز خواهد بود. پرسش‌های قرآن معانی متفاوتی دارند یکی از آن معانی تشویق و ایجاد انگیزش به فکر کردن است. پس باید در زمینه آموزش به استفاده بیشتر مربیان از پرسش‌های تفکر برانگیز بهای بیشتری داده شود و مربیان را در زمینه مهارت پرسشگری آموزش بدهند. مربیان باید عمدتاً از پرسش‌های یادآور فاصله بگیرند و به پرسش‌های تفکر برانگیز روی آورند برای تعمق اندیشه مخاطب سؤالات پردازشی و هدایتی و توجیهی اثری مطلوب دارد. (فیاض، ۱۳۸۸، ص ۵۹-۵۷) یکی دیگر از محتواهای پرسشی که معلم می‌تواند با کمک گرفتن از آن در جهت رشد مهارت فکری دانش آموزان قدم بردارد، وقوف و آگاهی معلم به مسائل همگانی که مبتلا به همه ماست که باید یکایک دانش آموزان به یافتن راه حل مشخص از طریق تجربه‌های خود تأملی و فرایندهای

فکری ترغیب کند (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ص ۵). برقراری ارتباط با نیازها و مسائل فهم دانش آموزان و مشارکت دانش آموز در فرایند آموزشی حیاتی است. از طرف دیگر مشارکت دانش آموز هنگامی به ظهور می‌رسد که موضوعات مطرح در محتوا از دل نیازها، مسائل و علائق دانش آموزان انتخاب شده باشد؛ پس موضوعات مطرح در محتوا باید از دغدغه‌های آن‌ها انتخاب شود (سجادیه، ۱۳۹۲، ص ۵۴). معصومان هم سعی بر این داشتند که نکته و مطالب آموزشی را در مناسبت‌های خاص متناسب با آن ارائه کنند؛ مانند موارد ابتلاء، نیاز و یا وقتی که حادثه‌ای در آن رابطه اتفاق افتاده است. جابر عبد الله انصاری می‌گوید با امام علی (علیه السلام) در بصره بودیم وقتی از جنگ فارغ شدیم در آخر شب امام بر ما وارد شد و فرمود: از چه بحث می‌کنید؟ عرض کردیم: در ذم دنیا؛ فرمود: ای جابر! دنیا را برای چه نکوهش می‌کنی؟ سپس خدا را حمد و ستایش کرد و فرمود: بعضی‌ها را چه می‌شود که دنیا را نکوهش می‌کنند و به زهد می‌گیرند؟ دنیا برای کسانی که آن را درست بفهمند خانه راستی و مسکن تن درستی و (حرانی، ۱۳۶۹، ص ۱۸۳). در این سیره عده‌ای از اصحاب به زهد گزیده و دنیا را مذمت می‌کنند که امام با آن‌ها برخورد می‌کند. امام در اینجا موضوعی را مطرح کرد که مبتلا به و نیاز آن‌ها بود. بنابراین مهم‌ترین معجاری تفکر در نهج البلاغه عبارتند از: خداشناسی، انسان‌شناسی، جهان‌شناسی و تاریخ‌شناسی است. تفکر در خداشناسی والاترین عرصه تفکر است و مراد از معرفت و شناسایی خدای متعال، ادراک حق و صفات جمال او به اندازه وسع و طاقت آدمی (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۶). از این رو، همان گونه که همه اجزای عالم هدف‌دار است و به سوی خداوند روانند، معرفتی را هم که ما باید کسب کنیم باید در جهت شناخت خداوند و در جهت تحقق اهداف الهی باشد. در یک نظام آموزشی با ساختار خدا محور نوع‌گرایش علمی که در اولویت انتخابی قرار می‌گیرد باید در جهت میل به معرفت و شناخت و قرب الهی باشد (جان احمدی، ۱۳۹۱، ص ۲۴). جهان‌شناسی نیز عرصه نیکو در تفکر آدمی و شناخت هستی و اصلاح رابطه خود با طبیعت و بهره‌گرفت درست از آن در جهت سیر کمالی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۷). امام علی (علیه السلام) مکرراً به تفکر در این عرصه توصیه می‌کند؛ مثلاً در خلقت مورچه، خفاش، طاووس، و... که در سخنان امام از آن‌ها صحبت شده

است. تاریخ شناسی و دقت در تحول تاریخی و زندگی گذشتگان و دقت در علل و عظمت و انحطاطشان بستر نیکو برای تفکر و اصلاح زندگی این جهان و فراهم آوردن سعادت آن جهان را فراهم می‌کند (همان، ص ۲۸۳). می‌توان با تقویت توجه به دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، آثار و اقوال گذشتگان زمینه چالش ذهنی با محیط پیرامون را برای شرکت کنندگان فراهم کرد (شرفی، ۱۳۸۸، ص ۳۵)؛ پس برای فرارفتن از حیات زیستی توجه به معنای هستی شناختی ما را بر آن می‌دارد تا این مینا را در محتوا باز نمایی کنیم. بر این اساس، محتوا نمی‌تواند تنها به زندگی زیستی و اقتضاهای آن محدود شود؛ بلکه باید به گونه‌ای متناسب با سن و فهم دانش آموز و در زمانی مناسب، بلند دامنگی زندگی آن را نشان داد. این بلند دامنگی و نگاه فراگیر به طول زندگی انسان منجر به تغییر معیارها و تصمیم‌گیری‌ها و نیز نوع برخوردهای اجتماعی می‌شود و نیز نوع مفهوم‌سازی از تجربه‌ها را نیز متأثر می‌سازد. در این حالت موضوعات مورد بحث معیارهای قضاوت و مواردی از این دست، محدود به زندگی مادی انسان نمی‌شود و با افزایش سطح ادراک دانش آموز دامنه آن وسعت می‌یابد و کل حیات انسان را فرا می‌گیرد (سجادیه، ۱۳۹۲، ص ۵۵)؛ پس آموزگار باید از پرسش‌ها با سطح شناختی پیچیده استفاده کند؛ سؤالات هوشمندانه، تفکر برانگیز، چند بعدی و جستجو گرانه، تا کیفیت استدلالی دانش آموز نیز بالا رود.

نتیجه‌گیری

ایجاد تفکر انتقادی بخش جدایی ناپذیر نظام آموزشی است. نظام آموزشی باید طوری طراحی شود که فراگیر را در فرایندهای فکری، فعال پرورش دهد، نه منفعل. یکی از اهداف نظام آموزشی، پرورش دانش‌آموزان متفکر و خلاق است. برنامه‌ریزی‌های نظام آموزشی باید به گونه‌ای باشد که به جای درگیر کردن متربیان با مهارت‌های ساده، آن‌ها را به فعالیت‌های پیچیده فکری درگیر کند. یکی از روش‌های ویژه برای پرورش تفکر در دانش‌آموزان ایجاد روحیه پرسشگری در آن‌ها است. معلم در پرورش این روحیه نقش اساسی ایفا می‌کند. معلم اگر بتواند از سؤالات محفوظاتی کمی فاصله بگیرد و با پرورش مهارت پرسشگری در خود به طرح سؤالات عمیق و هدفمند و با محتوای هدایتی و انگیزشی و هدفدار که متناسب با نیازها و علائق و مسائل دانش‌آموز است،

پیردازد؛ می تواند بینش صحیح و ادراک عمیق را در دانش آموزان وسعت دهد تا دانش آموزان با دید عمیق تری نسبت به مسائل محیطی خود نگاه کنند؛ لذا مربی با استفاده از روش پرسشگری، با طرح سوالات هدفمند توجه فراگیر را به طور غیر مستقیم به خود جلب و در او ایجاد انگیزه می کند و مربی با این روش می تواند متناسب با نیاز و استعداد متربی به او پاسخ دهد که این خود زمینه پرورش رشد تفکر در متربی را ایجاد خواهد کرد. روش آموزشی معصومین (ع) به عنوان مربی در برخورد با مردم در اغلب موارد به صورت پرسش و پاسخ بوده و این به سبب اهمیت این روش در میزان اثر گذاری مطلوب برای متربی بوده است. مثالها و موارد متعددی در سیره امام صادق و دیگر ائمه علیهم السلام می توان یافت که این روش در آنها بکار رفته است. امامان با طرح مطلبی به صورت پرسشی و مبهم می توانستند هم مخاطب را به خود جلب کنند هم هدف آموزشی را به شیوه ای صحیح به متربی القا کنند و سطح شناخت او را بالا ببرند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

قران کریم.

نهج البلاغه. (۱۳۹۲)، مترجم/علی شیروانی، دفتر نشر معارف.

ابراهیمی، نسرین. (۱۳۹۰). «پرسشگری سقراط». مجله اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۶۸.

احمدی، احمد. (۱۳۶۴). اصول و روش‌های تربیت در اسلام، اصفهان، مرکز جهاد دانشگاهی.

بحرانی، ابن میثم. (۱۴۱۷). شرح نهج البلاغه، مترجم: حجت‌الله روحانی، مشهد: مجمع

البحوث الاسلامیه.

تهرانی، دلشاد. (۱۳۷۸). ماه مهر پرور، خانه اندیشه جوان.

جان احمدی، فاطمه؛ نیک آفرین، مهدی، (۱۳۹۱). «نظام آموزشی امام صادق مجله

پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام». مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام. ش ۱۰.

حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۶۷). وسائل الشیعه. قم: انتشارات اسلامیة.

حرانی، حسن بن علی بن حسین. (۱۳۶۹). تحف العقول من آل الرسول، مترجم: آیت‌الله

کمره‌ای. قم: انتشارات اسلامیة.

حسن زاده قشلاق، عرب علی. (۱۳۸۷). مطالعه عوامل مؤثر بر تعامل پرسشگری دانشجویان

در جریان یاددهی و یادگیری. آذربایجان غربی: دانشگاه پیام نور.

حسینی زاده، علی. (۱۳۸۸). نگرشی بر آموزش. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

سجادیه، نرگس. (۱۳۹۲). «طرح نظری برای پرورش تفکر در دیدگاه اسلامی»، مجله علوم

تربیتی، شماره ۱.

سیف، علی اکبر. (۱۳۸۸). روانشناسی پرورش نوین. تهران: نشر دوران.

شرفی، محمد رضا، ادیب، مریم، (۱۳۸۸)، «چگونه دانش آموزان متفکر تربیت کنیم»، رشد

آموزش قرآن، شماره ۲۶.

طاهری، حسین. (۱۳۸۸). «نگاهی به مسئله دانش اندوزی و پرسشگری در قرآن و سیره امام

رضا (علیه السلام)»، مجله فلسفه و کلام، شماره ۳۳۱.

- عابدی، سمیه؛ وکیلی، هادی. (۱۳۹۳). «مؤلفه‌های اصلاحات آموزشی امام علی (علیه السلام) با تکیه بر نهج البلاغه»، مجله حدیث و اندیشه، شماره ۱۷.
- علوی، حمید رضا، (۱۳۸۵). «مبانی آموزشی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، مجله حقوق و الاهیات، شماره ۳.
- فیاض، ایراندخت. (۱۳۸۸). «پرسشگری راهبرد هویت پایدار دینی در قرآن کریم»، مجله تعلیم و تربیت. شماره ۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). *اصول کافی*. تهران: اهل البیت.
- گروهی از مؤلفان (پیروز، علی، خدمتی، ابو طالب، شفیعی، عباس، بهشتی نژاد، محمود)، (۱۳۸۸). *مدیریت در اسلام*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- محمدی، رضا، (۱۳۹۰). «شیوه‌شناسی پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات دینی اهمیت پرسشگری»، شماره ۱۰۷.
- مداحی، جواد، حسینی زاده، علی، (۱۳۹۲). *بررسی و تحلیل روش‌های پرورش تفکر*، مجله تربیت اسلام، شماره ۷۲۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ملکی، حسن، حبیبی پور، مجید، (۱۳۸۶). «پرورش تفکر انتقادی هدف اساسی تعلیم و تربیت»، شماره ۱۹.
- وارم، مسعود بن عیسی (فرّاس). (۱۳۶۸). *تنبيه الخواطر و نزهه النواظر*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.